

قصه‌های شنیدنی از کمک‌رسانی زهرا نجفی
و همسایه‌هایش به نیازمندان آبرومند

خدایم رساند

نجمه موسوی زاده بسیاری از اهالی محله امام خمینی (ره)، خانه‌ای را می‌شناسند که انباری انتهایی حیاطش را برای کمک به نیازمندان اختصاص داده است؛ انباری کوچکی که چندسالی است تبدیل به جایی برای همدلی همسایه‌ها، دوستان، غریبه‌ها و آشنایان شده است تا وسایل و لباس‌های مورد نیاز نیازمندان و جهیزیه نو عروسان به کمک آن‌ها جمع شود.

زهرا نجفی، بانوی نیکوکار محله، صاحب این خانه و انباری است؛ کسی که حدود ۱۰ سال است در این زمینه فعالیت دارد، اما نه مؤسسه‌ای به نام خودش دارد و نه عنوان خاصی برای کارهایش انتخاب کرده است. او فقط گاهی چند عکس یا کلیپ کوتاه در گروه فضای مجازی منتشر می‌کند تا کسانی که سهمی در کمک‌ها داشته‌اند، بدانند نتیجه همراهی‌شان به ثمر رسیده است.

زهرا خانم علاوه بر این فعالیت‌های خداپسندانه، غسل‌را از زنبوردار در شهرستان اسفراین می‌گیرد و به مشتری‌ها تحویل می‌دهد. او بخشی از درآمدش در این زمینه را صرف همین کارهای خداپسندانه می‌کند.

به طوری که بایک خیریه در حاشیه شهر ارتباط گرفتیم تا لباس‌ها را تحویل بگیرد و اهدا کند.

پنج‌سال بود که زهرا خانم با روی گشاده لباس‌ها را نه تنها جمع‌آوری، بلکه آن‌ها را دسته‌بندی و مرتب هم می‌کرد؛ «لباس‌های بچگانه، مردانه و زنانه را جدا می‌کردم. بسیاری از افراد لباس‌های تمیزی می‌آوردند اما گاهی هم پیش می‌آمد که لباس‌ها کهنه یا کثیف بود. برخی از این لباس‌ها را می‌شستم و برخی را که کهنه بود، جدا بسته‌بندی می‌کردم تا مشخص باشد.»

حدود چهار سال پیش خانمی که مستأجر زهرا خانم بود و از نزدیک می‌دید که او چگونه دغدغه کمک به نیازمندان را دارد، به سراغ او آمد؛ «همسایه‌ام گفت خانمی را می‌شناسد که همسرش فوت شده است و دو دختر عقد کرده دارد و نمی‌تواند جهیزیه آن‌ها را تهیه کند. او از من خواست با کمک همین افراد برای آن‌ها جهیزیه تهیه کنم.»



همراهی دیگران در مسیری متفاوت

رفت و آمد به مسجد فاطمیه و حضور پررنگ در برنامه‌های مختلف مسجد باعث شده بود زهرا خانم را به عنوان بانویی فعال در محله بشناسند. ولی یک اتفاق ساده، مسیر زندگی او را به سمت و سوی دیگری برد. تعریف می‌کند: مثل بسیاری از آدم‌های شهر، لباس‌هایی را که برای بچه‌هایم کوچک شده بود یا نو بود و نمی‌پوشیدند، جمع می‌کردم تا به افراد نیازمند بدهم. یک بار یکی از همسایه‌ها از من پرسید که این لباس‌ها را به چه کسی می‌دهم. زهرا خانم برای همسایه‌اش توضیح می‌دهد که لباس‌ها را بین چند نفر نیازمندی که می‌شناسد، تقسیم می‌کند؛ «با این حرفم، لباس‌های اضافه خودش و اطرافیان‌ش را آورد تا به دست آن‌ها برسانم. کم‌کم تعداد همسایه‌ها و خانم‌های مسجدی که لباس می‌آوردند، زیاد شد.

اعتماد مردم به زهرا خانم

زهرا خانم نجفی می‌گوید: اول گفتیم این کار در توان من نیست، اما او خیلی اصرار کرد و نشانی منزل آن‌ها را داد تا بروم و تحقیق کنم. وقتی متوجه شرایط این خانواده شدم، دلم آرام نگرفت. در همه گروه‌هایی که در فضای مجازی عضو بودم، مانند بانوان مسجدی، بسیجی، نیکوکار و حتی گروه‌های فامیلی، این موضوع را مطرح کردم و گفتیم هر کس در حد توانش کمک کند.

او در مدت کوتاهی توانست برای دو دختر جهیزیه تهیه کند؛ «خودم باورم نمی‌شد؛ هر روز زنگ در خانه بارها به صدای آمد و وسایل مختلفی مانند، پتو، ظروف غذاخوری، بخاری، اجاق‌گاز رومیزی، روتختی، قابلمه، پارچه و... کاملاً نو آورده می‌شد. تعداد وسایل آن قدر زیاد شده بود که دیگر جایی برای نگهداری نداشتیم.»

آن دو دختر با کمک خانم نجفی به خانه بخت رفتند. یکی از آن‌ها بعد از مدت کوتاهی باردار شد و زهرا خانم با کمک همین جمع برایش سیسمونی تهیه کرد. حالا طوری شده بود که افراد مختلف برایش وسایل خانه می‌آوردند تا اهدا کنند.

زهرا خانم توضیح می‌دهد: پیام من در فضای مجازی آن قدر چرخیده بود که افراد ناشناس، وسیله‌های نو برای کمک می‌آوردند و این موضوع تا بعد از اهدای جهیزیه ادامه داشت. حتی وقتی برای آن‌ها توضیح می‌دادم که جهیزیه را اهدا کرده‌ایم، اصرار داشتند به نیازمند دیگری کمک کنند.

